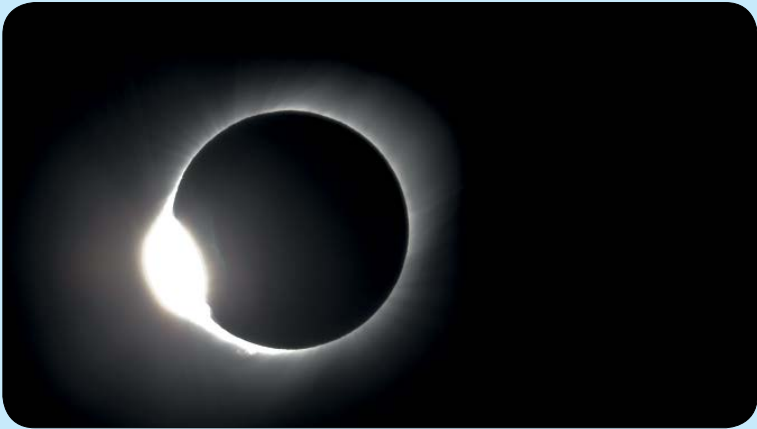


این سفر به جز رصد خورشیدگرفتگی چه دستاوردهای دیگری داشت؟

راه شیری به مثابه ماه



عکس: محمدجواد تری و پوریا شیلی

یک شب در بیابان‌های آتاکاما که از خشک‌ترین بیابان‌های جهان است، برای رصد مستقر شدیم. آسمان این بیابان برایمان خیلی غریب بود، چون آسمان نیمکره جنوبی و نیمکره شمالی با هم متفاوت است و آنها بخشی از آسمان را می‌بینند که ما نمی‌بینیم. آن شب باورمان نمی‌شد که راه شیری با این شفافیت در حال تلالو است. راه شیری به قدری پرفروغ بود که نور داشت و مثل ماه زمین را روشن کرده بود. این برایمان تجربه بی‌نظیری بود. در آسمان دو قمر کهکشانی وجود دارد که دور راه شیری می‌چرخند، این دو قمر ابرهای ماژلانی بزرگ و کوچک نام دارند و خیلی راحت با چشم دیده می‌شدند. در نزدیکی همان منطقه که ما رصد می‌کردیم، مجموعه رصدخانه آلما هم بود که مشهور است. آسمان شبلی یکی از بهترین آسمان‌های جهان است و از بهترین تلسکوپ‌های جهان میزبانی می‌کند. رصدخانه VLT را هم در این سفر دیدیم که در اصل متعلق به اروپاست، اما در ارتفاعات شبلی قرار دارد و یکی از بزرگ‌ترین رصدخانه‌های جهان است. علاوه بر این، با پژوهشگران و دانشمندان زیادی هم آشنا شدیم که در شبلی مشغول فعالیت هستند.



سفر شبلی برای محمدجواد چقدر آب خورد؟

تأمین هزینه با اعمال شاقه



سعی کردیم سفرمان را ارزان برگزار کنیم. شبلی کشور توسعه‌یافته‌ای است و هزینه سفر به آن شاید حدود دو برابر بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی باشد. در شبلی برای یک وعده غذایی ساده در رستوران باید حدود ۱۵ دلار خرج کنید. ولی ما با خودمان غذای کنسروی بردیم و با کم کردن وعده‌ها، صرفه‌جویی کردیم. ولی به هر حال باید از خدمات حمل و نقل و اقامت استفاده می‌کردیم و مجموعاً در یک سفر ۱۸ روزه، حدوداً روزی ۵۰ دلار خرج کردیم. ولی بیشترین هزینه ما بلیت هواپیما بود. فقط یک پرواز خاص بود که ما می‌توانستیم با آن مستقیماً از دبی به شبلی برویم. سایر پروازها به شبلی در کشورهای دیگر مانند برزیل توقف داشتند و در نتیجه مثلاً روادید کشور برزیل لازم بود. ولی پروازی که ما با آن رفتیم، یک توقف یک ساعت و نیمه در ریو برای سوختگیری داشت و به همین دلیل نیازی به روادید نبود. این پرواز یکی از طولانی‌ترین پروازهای جهان است و از دبی تا سانتیاگو حدود ۲۱ ساعت طول کشید. در نهایت با احتساب همه هزینه‌ها، حدود ۳۵ میلیون تومان هزینه سفر شد. برای تأمین این هزینه، برای خیلی از نهادها پروپوزال آماده کردم و خیلی‌ها قول همکاری دادند، اما تا دقیقه ۹۰ خیلی از کمک‌ها نرسید. ولی بالاخره سه ساعت قبل از پرواز هزینه‌ها تأمین شد! این برای شخص من بود و دیگر همسفرانم برنامه‌ریزی خاص خودشان را داشتند.

قطبی را نخواهید دید. «می‌گفتند ما داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم و دلیلی ندارد آن را نبینیم. می‌گفتم اگر فکر کنید می‌بینید و موفق به دیدن نشوید، دچار سرخوردگی می‌شوید. البته خوشبختانه ما همیشه توانسته‌ایم شفق‌های قطبی را ببینیم. برای این سفر هم من همین عقیده را داشتم و رصد شبانه‌ای که در بیابان آتاکاما داشتیم و بازدیدهایی که از رصدخانه‌ها و مراکز علمی شبلی انجام دادیم، برای این که از این سفر راضی باشم کفایت می‌کرد.» محمدجواد می‌گوید با این که دیدن کسوف یک اتفاق بسیار مهم و یک نقطه عطف در زندگی‌اش بوده، اما به دلیل دستاوردهای دیگر سفر، حتی اگر کسوف را نمی‌دید هم افسوس نمی‌خورد. «با توجه به قرار گرفتن شبلی در نیمکره جنوبی، آنجا الان فصل زمستان است و حتی پیش‌بینی‌های هواشناسی هم بر ابری بودن هوا حکایت داشت، ولی شانس آوردیم هوا صاف بود و توانستیم کسوف کامل را رصد کنیم.» با وجود همه سختی‌ها و هزینه بسیار بالایی که صرف شده، به نظر محمدجواد کاملاً ارزشش را داشت. «یک سال و نیم دیگر یک کسوف کامل دیگر رخ می‌دهد و باز هم از شبلی قابل مشاهده است. من از همین الان مطمئنم آن سفر را خواهیم رفت، چون تجربه خاص و منحصربه‌فردی از دیدن زاویه تازه‌ای از طبیعت است و شما می‌توانید چیزهایی را با چشمتان ببینید که هیچ وقت دیگری امکان‌پذیر نیست.»

تاج‌های خورشیدی تصویری است که هیچ وقت از یادم نخواهد رفت. من تجربه ده شب دیدن شفق‌های قطبی را داشتم، ولی دیدن کسوف برایمان می‌خکوب‌کننده‌تر بود. شاید به این دلیل که بسیار نادر است. در هر سال نهایتاً یک یا دو دقیقه امکان کسوف کامل وجود دارد، برخی سال‌ها هم در پهنه اقیانوس‌ها اتفاق می‌افتد و امکان رصد آن نیست. آن لحظه من داشتم به این فکر می‌کردم که الان ما می‌دانیم این پدیده چیست، ولی در گذشته وقتی مردم شاهد کسوف بودند و آسمان در یک لحظه تاریک می‌شد، چه فکری پیش خودشان می‌کردند.» او می‌گوید تجهیزات رصد را از ایران با خودش به شبلی برده است: «من تلسکوپ و سه پایه‌های آن را کاملاً باز کردم. حتی قسمتی در لوله تلسکوپ وجود دارد که به آن سپر ششم می‌گویند، آن را هم از تلسکوپ جدا کردم. کار سختی بود، ولی مجموعه تلسکوپ را به یک چمدان کوچک تبدیل کردم و بدون این که اضافه بار بخورم، با خودم بردم. این برایمان تجربه جالبی بود، چون در سفرهای خارجی دیگر کم‌تر به حال ابزار رصدی خود را همراه نبرده بودم و همیشه فقط دوربین می‌بردیم.»

امید در هوای ابری

این متجم جوان شیوه جالبی دارد و می‌گوید همیشه در آغاز سفرهایی که برای رصد شفق‌های قطبی داشته، به همسفرانش می‌گفته شما شفق